



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ / فروردین / ۱۳۹۸

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۲ شعبان ۱۴۴۰

موضوع جزئی: وجوب تخییری - قول پنجم (محقق نایینی)

جلسه: ۹۲

سال دهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه بحث گذشته

تا کنون چهار قول در مورد وجوب تخییری و ارائه تصویری از حقیقت این قسم از وجوب ذکر شد و ملاحظه کردید که این چهار قول نوعاً مبتلا به اشکال است.

### قول پنجم (محقق نایینی)

واجب متعلق می شود به عنوان «احدهما» نه خصوص این طرف یا خصوص آن طرف واجب تخییری. عنوان «احدهما» متعلق وجوب تخییری است. در خود این احتمال که عنوان «احدهما» متعلق وجوب تخییری باشد دو احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** واجب، مفهوم «احدهما» است. یعنی آن عنوانی که منطبق بر هر یک از این دو امر فی نفسه می شود. مثلاً اگر می گوییم: در روز جمعه نماز ظهر یا نماز جمعه به نحو تخییری واجب است، در واقع به این معنا است که واجب عنوان و مفهوم احدهما است، منتهی تارة مصداق این عنوان نماز ظهر است که عنوان «احدهما» بر آن منطبق می شود و اخیری مصداقش نماز جمعه است که بر آن نیز عنوان «احدهما» منطبق می شود. این عنوان «احدهما» یا مفهوم «احدهما» خودش متعلق وجوب است، منتهی این عنوان قابلیت تطبیق بر هر یک از این دو مصداق را دارد. مثل عنوان و مفهوم «من یسکن فی الدار» است، «من یسکن فی الدار» یک عنوان کلی است حال ممکن است در این دار و در این خانه سه یا چهار نفر سکونت داشته باشند مثل زید، بکر، عمر و خالد، این عنوان بر هر یک از این افراد به خصوصه قابل انطباق است یعنی «من یسکن فی الدار» بر زید قابل انطباق است بر عمر منطبق می شود بر بکر منطبق می شود بر همه این ها این مفهوم و عنوان انطباق پیدا می کند.

**احتمال دوم:** وقتی می گوییم: واجب عبارت است از «احدهما» یعنی «احد الامرین»، منظور مفهوم «احدهما» و عنوان «احدهما» نیست، کاری به مفهوم آن نداریم بلکه واقع «احدهما» مقصود ما است. مثلاً در ظهر روز جمعه یا نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر. در مسلک دوم نیز دو صورت تصویر می شود:

۱. ممکن است واقع «احدهما» واجب باشد، منتهی واقع «احدهما المعین»، مقصود ما از واقع «احدهما»، «احدهما المعین» باشد. مثلاً بگوییم: درست است که به ما گفتند: یا نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر، اما وقتی می گوییم: «احدهما»، واقع «احدهما» یعنی واقع یکی از این دو امر که معین است، یعنی بعینه این واجب است.

۲. «احدهما غیر معین» واجب است، یا نماز ظهر یا نماز جمعه. از این صورت به «فرد علی سبیل البدل» تعبیر می کنند. طبق این احتمال وقتی می گوییم: واجب «واقع احدهمای غیر معین» است یعنی چیزی که واجب است «فرد علی سبیل البدل»

است یعنی یا نماز ظهر یا بدلش این فرد، مصداق، منتهی فرد و مصداق غیر معین. در واقع طبق احتمال دوم آنچه واجب شده است فرد غیر معین است. وقتی می‌گوییم: «احدهما» یعنی فرد غیر معین.

تقسیم به معین و غیر معین به لحاظ «واقع احدهما» است. مفهوم «احدهما» منقسم به معین و غیر معین نمی‌شود. مفهوم «احدهما» همیشه معین است. اگر گفتیم: آن چیزی که واجب شده است مفهوم «احدهما» است دیگر در آن معین و غیر معین معنا ندارد و همیشه معین است. اگر گفتیم واجب عبارت است از «واقع احدهما» نه «مفهوم احدهما» اینجا مسلماً باید نتیجه بگیریم «احدهمای غیر معین» مقصود است نه «احدهمای معین».

خلاصه در قول پنجم گفته شد که وجوب متعلق به «احدهما» می‌شود. در چهار قول قبلی چنین چیزی نداشتیم، درست است که در همه چهار قول قبلی نیز وجوب متعلق به یک شیء معین می‌شد، منتهی در اینکه آن شیء معین چه باشد اختلاف بود. یعنی در همه این‌ها وجوب تخییری برگشت داده شد به وجوب تعیینی، منتهی هر یک از بزرگان یک طریق و راهی را برای متعلق وجوب تعیینی ارائه کردند.

در قول پنجم گفته شد: این وجوب متعلق به «احدهما» می‌شود. یعنی کأنه ظهر جمعه چنین تکلیفی بر گردن مکلفین گذاشته شده است: «یجب علیک احدهما». در «احدهما» دو احتمال وجود دارد: ۱. مفهوم «احدهما» واجب شده است. ۲. واقع «احدهما» که غیر معین است واجب شده است. زیرا معنا ندارد «احدهما» به صورت معین واجب شود. اصلاً «احدهما» با معین قابل جمع نیست. از یک طرف بگوییم: یکی از این دو، از طرف دیگر بگوییم: این فرد خاص، این‌ها قابل جمع نیستند.

پس طبق احتمال دوم «واقع احدهما» به صورت غیر معین واجب شده است که از آن تعبیر می‌کنند به «فرد علی سبیل البدل» کأنه دو جور فرد داریم، فردی که بدل ندارد مثل اینکه شارع مشخصاً می‌گوید: ظهر پنج شنبه بر شما نماز ظهر واجب است. اگر یک فرد به همراه بدل واجب شد، دیگر وجوبش تخییری است، آنچه که این‌جا واجب شده فرد است، یک مصداق است، منتهی یک مصداق غیر معین یعنی نماز ظهر یا بدلش که نماز جمعه باشد، این واجب شده است نه مفهوم «احدهما».

احتمال اول این است که واجب عبارت است از «مفهوم احدهما». طبق این احتمال آنچه که متعلق وجوب قرار گرفته «مفهوم احدهما» است. مفهوم و معنای، یکی از این دو، این مفهوم متعلق وجوب است، ضمیر «هما» نیز معلوم است که به چه چیزی بر می‌گردد. یعنی خداوند متعال فرموده: «یجب علیکم احدی الصلاتین فی یوم الجمعة»؛ عنوان «احدهما»، این مفهوم، متعلق وجوب قرار گرفته است.

اینجا گفته شده که ما گاهی از روی ناچاری و از باب اینکه در این مقام همین چند احتمال بیشتر متصور نیست و چون آن چهار احتمال گذشته باطل هستند به ناچار تن به این تقسیم می‌دهیم نه اینکه دلیلی بر آن اقامه کنیم. (یعنی می‌گوییم: در مانحن فیه پنج احتمال متصور است، چهار احتمال غیر معقول است و وقتی راه دیگری نیست، قهراً به این راهی که معقول است روی می‌آوریم.) این هر چند خلاف ظاهر است ولی معقول است.

چرا خلاف ظاهر است؟ زیرا ظاهر ادله در واجبات تخییری هیچ کدام به این صورت نیست که وجوب به «احدهما» تعلق گرفته باشد. دو واجب و دو امر بیان شده و باید ببینیم این وجوب به چه چیزی متعلق شده است. این عنوان «احدهما» از کجا آمده؟ خلاف ظاهر ادله است. اگر بگوییم: وجوب متعلق شده به «احدهما» با ظاهر ادله سازگار نیست.

ولی این طور نیست که احتمالات منحصر در این پنج احتمال باشد. این خودش وجهی است در مقابل سایر وجوه و احتمالات و باید آن را بررسی کنیم و ببینیم که آیا اساساً می‌توانیم وجوب را متعلق به «مفهوم ادهما» کنیم؟ این ظاهر البطلان است. معنا ندارد بگوییم: «مفهوم ادهما» واجب شده است، زیرا اصلاً محصلی ندارد. امر به چیزی تعلق می‌گیرد که اثر داشته باشد. چیزی واجب می‌شود که اثر و غرضی داشته باشد. از شما سؤال می‌کنم اثر و غرض مترتب بر مفهوم است یا واقعیت؟ معلوم است که اثر و غرض بر واقعیت مترتب می‌شود. مثل اینکه گفته شده با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود. مفهوم حلوا شیرینی ایجاد نمی‌کند، این خود حلواست که دهن را شیرین می‌کند. اینجا نیز معنا ندارد که وجوب به مفهوم تعلق بگیرد. زیرا بر این مفهوم اثر و غرضی مترتب نمی‌شود. آنچه که واجب می‌شود، چیزی است که غرض از امر به دنبال آن محقق شود و آن چیزی جز واقع نیست. «واقع ادهما» باید متعلق امر باشد نه «مفهوم ادهما».

لذا احتمال اول که بگوییم: وجوب متعلق به «مفهوم ادهما» شده، قابل قبول نیست.

پس قهراً و ناچاراً باید بگوییم: وجوب متعلق به «واقع ادهما» شده، منتهی «واقع ادهما» به صورت غیر معین، زیرا گفتیم: «ادهما المعین» معنا ندارد. «واقعیت ادهما» و مصداق آن که معین نیست متعلق وجوب است. واجب عبارت است از «مصدق ادهما» که غیر معین است. مثلاً نماز جمعه یا نماز ظهر، یعنی مصداق غیر معین این دو به تعبیر دیگر «فرد علی سبیل البدل» متعلق وجوب قرار گرفته است. آن چیزی که به نحو وجوب تخییری به گردن ما واجب است این است.

آنچه اجمالاً گفته شد مطلبی است که محقق نایینی به آن ملتزم شده است. ایشان یک بیان مفصل در این باره دارند که محصل و خلاصه‌اش را بیان کردیم. لازم نیست تمام مطالبی که ایشان گفته‌اند را بیان کنیم.<sup>۱</sup>

خلاصه آنچه که محقق نایینی در این مقام فرمودند: این است که وجوب تخییری در واقع وجوب «ادهما» به نحو غیر معین است و این با چهار قول گذشته فرق دارد. طبق نظر محقق نایینی متعلق وجوب تخییری عبارت است از «ادهمای غیر معین» (با توجه به بعضی از کتب درسی که در گذشته خواندید شاید در اذهان شما نیز چنین معنا و احتمالی شکل گرفته باشد، زیرا آن کتب متأثر از آرای محقق نایینی بوده) حقیقت وجوب تخییری وجوب ادهما به صورت غیر معین است.

#### دلیل قول پنجم

دلیل این قول چیست؟ دلیل عمده محقق نایینی ۱. وجود المقتضی. ۲. عدم المانع.

۱. محقق نایینی می‌گویند: مقتضی برای این احتمال وجود دارد. مقتضی چیست؟ وقتی دو امر از ناحیه شارع وارد شده باشد و بدانیم یکی از این دو بیشتر واجب نیست (مثلاً شارع خودش فرموده: یا کفاره بدهید و یا بنده آزاد کنید) ظاهراً آن غرضی که از تکلیف از ناحیه شارع تعقیب می‌شد هم در این راه و هم در آن راه مترتب است و ظاهراً نیز این دو راه بر یکدیگر ترجیحی ندارند. زیرا هیچ اولویت و تقدمی برای یکی از این دو طریق نسبت به طریق دیگر بیان نشده است. پس نتیجه این است که وقتی غرض مترتب بر یکی از این دو است و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارند، اگر بخواهیم یکی را بر دیگری ترجیح دهیم و معین کنیم ترجیح بلامرجح پیش می‌آید. لذا مقتضی وجود دارد.

<sup>۱</sup> اجود التقریرات، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. مانع نیز مفقود است. مانع مفقود است یعنی چه؟ برای این که ببینیم چه مشکلاتی بر سر راه تعلق وجوب به «احدهما» است، اول مسئله را در اراده تکوینی تشریح می‌کنیم و سپس سراغ اراده تشریحی می‌رویم.

اراده تکوینی یعنی اراده و قصد نسبت به کارهایی که انسان خودش مستقیماً انجام می‌دهد. وقتی قصد می‌کنید از دو نفری که در اتاق هستند یکی را بیرون کنید، این اراده یعنی آن شوق مؤکد محرک عضلات، گاهی فکر می‌کنید از این دو نفر که دم در نشستند کدام را به بیرون هل دهم؟ ولی اراده که پدید آمد و منشاء تحریک عضلات شد و شما را از جا حرکت داد برای اینکه مبادرت به این کار کنید، این اراده تکوینی نمی‌تواند به «احدهما» متعلق شود. من قصد کنم «احدهما» را بیرون بیندازم، این امکان ندارد. نظر محقق نایینی این است که اراده تکوینی نمی‌تواند به مردد متعلق شود، حتماً باید معین باشد. وقتی شوق مؤکد در شخص ایجاد شد به حدی که عضلات او را به حرکت در آورد و او را از جا بلند کرد که این کار را انجام دهد، معنا ندارد که بگوییم اراده کرده‌ام که یکی از این دو را بیرون بیندازم، در این فرض اصلاً اراده محقق نشده است. زیرا وقتی اراده محقق شد دیگر معنا ندارد مراد مردد باشد، حتماً باید معین باشد زیرا اگر مردد باشد اصلاً شوق مؤکد در مرید در آن فاعل ایجاد نمی‌کند و اصلاً عضلات او را به حرکت در نمی‌آورد تا مقصود خودش را عملی کند.

در اراده تکوینی مسئله تردید یک مانع جدی است ولی در اراده تشریحی چه اشکالی دارد که انسان اراده تشریحی به یک شیء مردد داشته باشد؟ مثلاً مولایی به عبدش بگوید: یکی از این دو را بیرون بینداز، یا به «احدهما» بگو فلان کار را انجام دهد. اراده تشریحی یعنی بعث و تحریک کردن دیگران، مولا وقتی اراده می‌کند که امر کند، یعنی اراده می‌کند، دیگری که عبدش باشد را تحریک کند برای انجام کار. اینجا اراده تشریحی چه اشکالی دارد که متعلق به چیز مرددی شود؟ اینجا نیز می‌گوییم: شارع به اراده تشریحی خودش عبد را تحریک کرده به سوی انجام نماز ظهر یا نماز جمعه در روز جمعه. تعلق اراده تشریحی به مردد مشکلی ندارد. این اصل سخن محقق نایینی است.

پس در قول پنجم در واقع وجوب تخییری عبارت است از وجوبی که متعلق شده به «واقع احدهما لا بعینه» وجوب تعلق گرفته به «احدهمای غیر معین» آن هم نه مفهومی بلکه مصداق و واقعیتش. دلیلش نیز وجود مقتضی و عدم مانع است. مقتضی این است که غرض از اتیان به هر یک از این دو، محقق می‌شود و هیچ کدام نیز بر دیگری ترجیح ندارند. مانع نیز وجود ندارد زیرا تعلق اراده تشریحی به مردد هیچ منعی ندارد، آنچه که ممکن نیست و در مقابلش منع وجود دارد تعلق اراده تکوینی به مردد است و الا در مورد اراده تشریحی هیچ منعی وجود ندارد. این محصل فرمایش محقق نایینی است که باید بررسی شود.

«والحمد لله رب العالمین»